

حجاب زنان با رویکرد جامعه‌شناختی

دکتر بهجت یزدخواستی *

چکیده

پوشش و حجاب پدیده‌ای چند بعدی است. از یک سو مقوله‌ای اخلاقی، دینی و معرفتی است و از سوی دیگر پدیده‌ای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... می‌باشد. ابعاد مختلف این پدیده به گونه‌ای در هم تنیده‌اند که نمی‌توان در خصوص ابعاد و آثار اجتماعی آن به تحقیق پرداخت و ابعاد باطنی، «مبانی اعتقادی» و ایدئولوژی مذهبی را نادیده گرفت. نتیجه مطالعات این پژوهش نشان می‌دهد پنج زیر مجموعه فرهنگی به صورت کلان از نگرش‌های باطنی افراد اقتباس می‌شود که مسیر انتخاب پوشش و حجاب ظاهری را در جامعه زنان تعیین می‌کند. در این نوشتار هر مدل ظاهری در تعاریف مفاهیم مذهبی و استناد به آیات قرآن در مقابل غیر محارم طبقه‌بندی گردیده و برداشت فرد و نگرش وی به پوشش سنجیده شده است.

واژگان کلیدی

پوشش، حجاب اسلامی، ظاهر، باطن، محارم، حریم، عناصر فرهنگی

* - دانش آموخته دکرای جامعه‌شناختی، استادیار دانشگاه اصفهان

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

(۱) مقدمه

پوشش ظاهری زن مسلمان بخشی از حقیقت باطنی و بیانگر اندیشه‌ها و نظام ارزش‌های درونی اوست. از این رو جهت پژوهش در چنین موضوعی باید از سطح گردآوری صرف داده‌های میدانی و به عبارتی از سطح جامعه‌شناختی پدیده فراتر رفت؛ زیرا در درک موضوعی که با نظام اندیشه و اصول معنوی و فرهنگی فرد عجین است، روش‌های پیچیده و چند بعدی می‌تواند به شناخت درست موضوع کمک کند.

در این پژوهش به مطالعات جامعه‌شناختی حاکمی از واقعیت‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و ایدئولوژی پرداخته می‌شود. این موضوع به نوبه خود عرصه‌ای را می‌گشاید تا با استفاده از اطلاعات جمع‌آوری شده و مطالعات چند جانبه سیاسی، اجتماعی، روانی و اخلاقی، علت فرم گرفتن پوشش ظاهر و نیز علت تغییر وضعیت حجاب و پوشش زنان در نیم قرن اخیر را درک کرد. ممکن است پوشش در یک کشور و در نزد عده‌ای، امری تقلیدی باشد و با الگوبرداری از دیگران، فرد به یگانگی، هم‌رنگی و هماهنگی ظاهری برسد، اما حقیقت حجاب در نزد زنان معتقد و متعهد به اسلام فراتر از مد و تقلید است؛ چرا در نزد عده‌ای الگوبرداری و تقلید از حجاب به مثابه بیماری، پیشروی می‌کند و در نزد برخی دیگر با تأمل و پذیرش است و در نزد برخی دیگر امری غیرقابل پذیرش و غیرقابل تحمل است! به راستی رفتار زنان مسلمان در مقابل ظاهر پوشش خود در اجتماع، نسبت به قوانین حقوقی و نیز هنجارها و نگرش‌های سنتی، مدرن و فرامدرن موجود در جامعه چگونه است؟

زمانی که از پوشش و حجاب سخن می‌گوییم باید روش‌های چند علتی

و پیچیده‌ای را به کار گیریم. در اینجا ما اصل تکنرگرایسی^۱ را ترجیح دادیم تا به درک واقعیت‌های پوشش و حجاب نائل شویم. در ورای ظاهر حجاب و پوشش، پدیده پیچیده‌تری وجود دارد که موجب می‌شود افراد بتوانند تغییر وضعیت پوشش زنان و تغییر سبک حجاب در بعد اجتماعی را بدون توجه به ابعاد معنوی و مفاهیم مذهبی مانند (ظاهر، باطن - محرم، نامحرم - خصوصی، عمومی و...) بررسی نمایند. کسانی که حجاب را صرفاً از بعد مذهبی مطالعه می‌کنند، نمی‌توانند عدم پذیرش حجاب نزد برخی دیگر را دریابند، در مقابل، زنانی که خود را مسلمان می‌دانند، ولی حجاب را امری نسبی می‌بینند، موضع «لادری» خواهند داشت. از این رو، جهت شناخت ابعاد و تأثیرات اجتماعی و مبانی مذهبی حجاب، باید آن را به مثابه یک نظام اجتماعی - اعتقادی تلقی کرده و زیر مجموعه‌های فرهنگی پوشش و حجاب و کارکرد اجتماعی آن را، در قالب مکتب اسلام و درون جامعه اسلامی درک کرد. لازم به ذکر است که در تحلیل این موضوع نمی‌توان یک بعد را بر بعد دیگر ترجیح داد، زیرا این دو بعد (نظام اجتماعی - اعتقادی) در هم تنیده شده و مجموعه نظام اجتماعی (ظاهر) و نظام اعتقادی (باطن) یک «کل» را تشکیل می‌دهند که با هم تعامل مستمر دارند (یزدخواستی و همکاران، ۱۳۸۵: ص ۳۲۶).

فرضیه اصلی این تحقیق عبارتست از اینکه میان ابعاد ظاهری انواع باحجابی، در مقابل اجبار جامعه به حجاب و ابعاد باطنی و نگرش‌های ایدئولوژیکی - اعتقادی افراد با حجاب رابطه وجود دارد.

روش تحقیق، پیمایشی با ابزارهای پرسشنامه و مصاحبه بوده و شرح حال

1. Polarite

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

افراد، جهت درک دیگران و توانمندسازی محققین در توصیف پدیده‌های مختلف استفاده شده است. هر چند در این مقاله بیشتر بر نتایج کیفی تحقیق ارجاع شده است، جامعه آماری تحقیق، زنان مسلمان استان اصفهان می‌باشد و حجم نمونه ۱۳۴۰ نفر از زنان این شهر می‌باشند. در این پژوهش از روش مشاهده، پرسشنامه و مصاحبه استفاده شده است. از جمعیت تحقیق سوالات بی‌پرده و صریح پرسیده شد تا مفهوم و کاربرد حجاب طبق فضا، زمان ارتباط با دیگران، ارتباط با مرد، جامعه، مذهب، ظاهر و... درک شود. پرسشنامه تحقیق نیز، در بین تمام طبقات و قشرها، با سبک‌های مختلف اجتماعی توزیع شد. در این تحقیق به سوالات ذیل پاسخ داده شده است:

- ۱- زنان چگونه با موضوع حجاب در زندگی اجتماعی روبرو می‌شوند؟
- ۲- زنان حجاب ظاهری را چگونه برمی‌گزینند؟
- ۳- زنان چه درکی از اصول اساسی حجاب در اسلام دارند؟
- ۴- زنان در مقابل مفاهیمی چون زنانگی، زیبایی، جذابیت و.. چگونه رفتار می‌کنند؟

۵- آیا متغیرهای طبقه اقتصادی - اجتماعی تحصیلات، سن و موقعیت‌های شغلی در انتخاب مدل حجاب زنان مؤثرند؟

البته این نوشتار اجمالی از نتایج پژوهش فوق است، لذا در این مجال پاسخ تعدادی از این سوالات ارائه شده است و نتایج کیفی این پژوهش به اختصار بیان گردیده است.

۲) فضای تاریخی، سیاسی و مذهبی ایران در قرن بیستم

مسئله زن و امور مربوط به زنان توسط حکومت‌هایی که یکی پس از دیگری روی کار آمدند، به طرق مختلف و مؤثری، بر پویایی‌های اجتماعی، سیاسی و مذهبی مردم اثر گذاشت و هنوز هم در حال گذر و اجراست. جریان‌های متفاوت نظیر مبارزه با غربی کردن، مبارزه علیه رژیم شاه، مقابله با امپریالیسم، مقابله با سلطنت طلبی و... سپس فرآیند استقرار مجدد اسلام، حجاب را به ابزاری بالقوه سمبولیک و ایدئولوژیک تبدیل نمود (ری. استاد ملک فاطمه، ۱۳۶۷). در این نوشتار درصدد بازاندیشی جنبش‌های زنان نیستیم و تنها می‌خواهیم دریابیم چگونه معنای مذهبی و سنتی حجاب و دلالت‌های فمینیستی اجتماعی - سیاسی و ایدئولوژیکی از آن، با یکدیگر پیوند خورده‌اند؟

در دسامبر (۱۳۰۷) ۱۹۲۸^۱ حکومت پهلوی زنان را به تقلید از لباس غربی و مردان را به پوشیدن کت و شلوار اروپایی و گذاشتن کلاه پهلوی (شاپو) مجبور نمود. به موازات این موضع‌گیری در مورد کلاه مردانه، تهاجمی جدید برای حذف حجاب زنان آغاز شد. در سال ۱۹۳۶-۳۷ رضا شاه قانون کشف حجاب زنان در اماکن عمومی را به صورت رسمی اجباری کرد. چادرها اغلب با خشونت از سر زنان کشیده می‌شد و اعتراضات و تظاهرات سرکوب می‌گردید (Castagne, J. 1929, P 179). پس از آن رویدادهای گوناگونی رخ داد که از جمله آنها می‌توان به حادثه دلخراش مسجد گوهرشاد در شهر مقدس مشهد اشاره کرد که طی آن شیخ بهلول، مردم را تشویق کرد که در برابر کشف حجاب اجباری مقاومت کنند. سرانجام رضا شاه قانون ممنوعیت حجاب را در سال

۱. رضا شاه از سال ۱۹۲۵ تا ۱۹۴۱ و محمدرضاشاه از سال ۱۹۴۱ تا ۱۹۷۹ در ایران حکومت کردند.

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

(۱۳۲۰) ۱۹۴۱ لغو کرد. نکته حائز اهمیت در این رخداد تاریخی در هم تنیدگی مسائل سیاسی، اجتماعی و معنوی است؛ به گونه‌ای که حجاب به عنوان اصول اساسی دین دستخوش بازی‌های سیاسی قرار گرفت. در پی این امر، عده‌ای از زنان، کشف حجاب را پذیرفتند و عده‌ای دیگر مقاومت کردند. بسیاری از زنان ترجیح دادند که از این گونه زندگی اجتماعی صرف نظر کنند و خود را به نقش سنتی زنان خانه‌دار محدود سازند. دیگر زنان باسواد و مسلمان با الهام‌گیری از برداشتی نوین از اسلام با انگیزه ورود به اجتماع مجبور شدند که شایستگی شان را در شغل‌هایی که اجرای آنها با حجاب یا دیگر دستورات مذهبی منافات نداشت، محدود کنند.

رژیم پهلوی در دهه ۴۰ حدود سال (۱۳۳۹) ۱۹۶۰ با دست بردن و تغییر در هنجارهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و قانونی نوسازی اجتماعی را تحت عنوان «انقلاب سفید» به اجرا گذاشت؛ اما تمام برنامه‌های فرا-محافظه‌کارانه شاه با گرایشات مذهبی مردم ناسازگار بود، چنانچه در انقلاب ۱۳۵۷، حجاب و به ویژه چادر، نه فقط به سمبل مبارزه علیه رژیم شاه تبدیل شد، بلکه به عنوان سنگری در برابر غرب‌زدگی و تهاجم فرهنگی غرب مطرح شد (رک. یزدخواستی، زنان و تغییرات اجتماعی، ۱۳۷۳).

در این چشم‌انداز، بعضی از جنبه‌های تشیع مجدداً قوت گرفت و ایدئولوژی انقلابی را تغذیه و تقویت کرد. روشنفکران دینی چون شهید مرتضی مطهری (۱۳۵۸-۱۲۹۸) آیت الله سید محمود طالقانی (۱۳۵۸-۱۲۹۰) و دکتر علی شریعتی (۱۳۵۶-۱۳۲۱) و جلال آل احمد و... نقش تعیین‌کننده‌ای در جنبش‌های اسلامی-ایرانی قرن جدید ایفا کردند. ممنوعیت اختلاط دختر و

حجاب زنان با رویکرد جامعه شناختی

پسر در مدارس و محیط‌های عمومی، با لغو قانون مصوب خانواده (۱۳۴۶)، سپس الزام قانونی حجاب (۱۳۵۷) از اولین اقدامات جمهوری اسلامی بود. در نظام جمهوری اسلامی، حجاب به صورت یک دلالت ضمنی و قوی سیاسی و ایدئولوژیکی درآمد و به تدریج به رسانه‌ای نمادین برای مبارزه با غرب تبدیل شد (یزدخواستی و لوتران، ۱۳۸۵: ص ۲۱۴).

در طی اولین سال‌های انقلاب، چادر به تدریج به عنوان سمبل وحدت ملی در مبارزه علیه سلطنت طلبی و غربزدگی مطرح شد. به اعتقاد فرهاد خسرو خاور، در این مرحله از وحدت‌گرایی جنبش انقلاب، اندام زن به واسطه حجاب سیاسی شد، ندای بازگشت به حجاب بیشتر فراخوانی برای مقاومت در مقابل برتری امپریالیسم شاه بود و نه اینکه زنان را به بازگشت به درون خانه دعوت کند. مخصوصاً چادر به سمبل هویت ملی، شورش علیه سیستم سلطنتی و مدرنیزاسیون تحمیلی و سمبل مبارزه در برابر تسلط فرهنگی غرب تبدیل شد.

نگاهی به وضعیت حجاب در ایران امروز، ظاهراً با قانون اجباری رعایت حجاب در حوزه عمومی زندگی اجتماعی، یگانگی خاصی ایجاد کرد و باعث همانندی در ظاهر شد؛ «همه زنان یک تکه پارچه روی سر دارند». اما در ورای این ظاهر فضای بیرونی و قابل مشاهده، در ورای اطاعت از قانون الزام به حجاب، دو نکته مهم وجود دارد:

۱- با توجه به اصول قرآنی، ارزش معنوی حجاب، تا چه حد نزد افراد درونی شده است؟

الف - دیدگاه‌های مختلف عمومی در زمینه الگوهای پوشش و حجاب چیست؟

ب - برداشت‌های عمومی از معانی و مفاهیم اساسی قرآن در موضوع حجاب

چیست؟

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

۲- فرم‌ها و الگوهای مختلف حجاب، با توجه به متغیرهای ذیل تا چه میزان تغییر می‌یابد؟

الف: آزادی عمل و استقلال زنان در حجاب تا چه میزان است؟

ب: ابداع مدل‌های مختلف و متنوع حجاب چگونه است؟

ج: تنوع در ظاهر (آرایش، ابزارهای زینتی) چگونه شکل می‌گیرد؟

د: وجود مفاهیم متفاوت از حجاب (خصوصی، عمومی) (ظاهر، باطن) و

(محرم و نامحرم) چگونه تفسیر و اعمال می‌شود؟

اگرچه زنان مورد تحقیق دارای دیدگاه اسلامی و معتقد به دین اسلام بودند و اگرچه همه به خداوند اعتقاد داشته و خود را مسلمان می‌دانند، اما چگونگی و کارکرد حجاب را به گونه‌های متفاوت تفسیر می‌کنند. در حقیقت الگوهای رفتاری متفاوت و برداشت‌های مختلف آنان، نسبت به مفاهیمی نظیر ویژگی‌های زنانگی، جذابیت، دلربایی و... طیف وسیعی از تفاوت‌ها و تمایزات را در این مورد ایجاد کرده است.

۳) تعریف مفاهیم کلیدی

۱- ۳) تشیع و حجاب در ایران

اکثریت مردم ایران به مذهب شیعه دوازده امامی معتقدند. مذهب شیعه با اعتقاد به اصل امامت استوار است که با حضرت علی علیه السلام شروع و با ظهور حضرت مهدی علیه السلام به انجام می‌رسد. در این مذهب، برخی از مفاهیم، دارای ابعاد ظاهری و باطنی هستند و تشخیص میان ظاهر و باطن با مفهوم حجاب و باحجابی در ارتباط با خلیقات درونی آنها معانی متفاوتی می‌یابد. برای شناخت

حجاب زنان با رویکرد جامعه شناختی

سیمای زن در اسلام، زندگی و نقش دخت پیامبر گرامی اسلام ﷺ، ضروری است؛ زیرا ایشان به عنوان مادر ائمه علیهم السلام جایگاه و نقش چندگانه‌ای در اسلام و مذهب شیعه دارند^۱. قبل از تحلیل داده‌های تحقیق میدانی، تفاوت بین پوشش و حجاب در ابعاد اجتماعی - دینی، جهت روشن شدن موضوع مفید می‌باشد.

۲-۳ پوشش

مفهوم پوشش یک مفهوم عام بوده و بیشتر مشتمل بر معنای شۀ انگارانه است. ظاهر، مفهومی است که به پوشش نزدیک می‌شود و در معنای لباس و ظهور یا تظاهر تن می‌باشد.



۳-۳ حجاب

مفهوم حجاب خاص بوده و پیچیده‌تر از پوشش است و ارزش‌ها و اصول اساسی مانند «ظاهر و باطن / محرم و نامحرم / خصوصی و عمومی» را در خود جای می‌دهد. منظور از این مفاهیم:

باطن = اخلاقیات و مفاهیم درونی و درون انسان‌ها

۴-۳ قرآن و حجاب

قرآن مفاهیم محرم و نامحرم را مطرح می‌کند.

محرم = قرآن در سوره ۲۴ آیه ۳۱ مشخص می‌نماید که زن در برابر افراد شامل: پدر، برادر، شوهر، پدرشوهر، دایی، عمو، فرزند، خواهر، برادر و... می‌تواند حجاب خود را بردارد.

۱. به همین دلیل، هفتۀ زن جهت شناخت بهتر جایگاه زنان مسلمان در ایران پس از انقلاب اسلامی جایگاه رفیعی پیدا کرده است.

نامحرم = کسانی هستند که ازدواج با آنها در شرایط خاص مجاز می‌باشد و زن باید در مقابل آنان حجاب داشته باشد.

محرم و نامحرم به طور کلی معنای باحجابی و بی‌حجابی را در برمی‌گیرد. خصوصی = زندگی محرمانه، عاطفی و خانوادگی

عمومی = فضای اجتماعی و فعالیت‌های اجتماعی (طباطبائی، ۱۳۸۴: ص ۴۹۰)
در این تحقیق نه تنها مشاهده کردیم که زنان چگونه حجابی در ظاهر دارند بلکه این موضوع را مورد بررسی قرار دادیم که آنان نسبت به اصول قرآنی چه دیدگاهی دارند و مفهوم حجاب برای آنان چگونه است (رک. حسینیان، ۱۳۷۱).

۴) از تئوری تا عمل (عملیاتی کردن مفاهیم)

در این تحقیق، از روش دوگانه اندیشی و اخذ پاسخ در قالب موافق و مخالف احتراز کرده و تلاش گردید تا سطوح معانی مختلف درک شود و با تبادل فرهنگی، گفتگو و تفکر، معانی مختلف حجاب و پوشش، نسبت به کلیت معانی آن، درک و سپس جایگزین شود.

با توجه به اینکه زنان از الگوهای مختلف حجاب پیروی می‌کنند، ضروری بود تا از اصل تکثرگرایی روشی، در مواجهه با فرهنگ مذهبی و طبقه اجتماعی پرهیز شود. این روش اجازه می‌دهد تا در عملیاتی کردن مفاهیم، سه محور پذیرفته شود:

۱- فردگرایی در مقابل جمع‌گرایی

۲- نسبی‌اندیشی در مقابل مطلق‌اندیشی

۳- ایستایی در مقابل پویایی

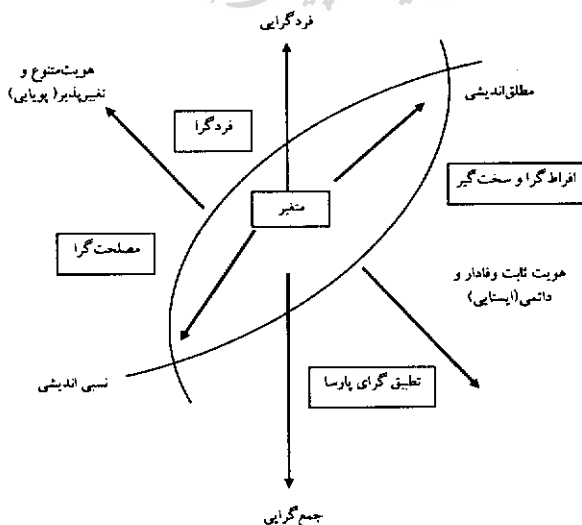
تمرکز بر محورهای مختلف تحقیق و جواب‌های ممکن و نگرش تکثری،

حجاب زنان با رویکرد جامعه شناختی

موجب شد تا مدل‌های مختلف رفتاری حجاب را کشف کردیم هر چند با موضع‌گیری کلان مواجه شدیم. چه کسی معتقد به حجاب ظاهر است و چه کسی معتقد به حجاب باطن؟ (یزخواستی و لوتران، ۱۳۸۵: ص ۳۲۶)

سپس زیر مجموعه‌های فرهنگی از داده‌ها استخراج گردید. این محورها احساسات و درک از حجاب را نشان داده و نزدیکی به یک محور تا محور دیگر را تغییر می‌دهند. این روش اینس امکان را فراهم می‌کند تا زنان در تمام مدل‌های ممکن رفتاری حجاب و پوشش در قالب سنتی، مدرن، غربی و... تشریح شوند. مدل تکثرگرایی، تمام پیچیدگی‌ها، اختلافات و ضدیت‌ها در مورد حجاب را مشخص می‌کند. در این مدل داده‌های بدون جایگزین وجود ندارد و محکومیت و قضاوت‌های غیرعلمی در این روش جایگاهی ندارد.

نمودار (۱): تکثرگرایی و زیرمجموعه‌های فرهنگی حجاب



۴) مطالعات میدانی (تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی)

پنج مدل رفتاری یا پنج زیر مجموعه فرهنگی در مورد حجاب وجود دارد. (که هر زیر مجموعه ممکن است به شاخص‌هایی تقسیم شود) بخشی از زیرمجموعه‌های فرهنگی حجاب گاهی تک بعدی هستند و امری محدود از حجاب را عمق می‌دهند و گاهی نیز با هم متضادند.

مدل‌های رفتاری پنج گانه عبارتند از: فردگرا، مصلحت‌گرا، متغیر، هم‌نواگر و پارسا. (البته فراموش نشود که در این تحقیق، شناخت این مجموعه‌ها با مفاهیم اسلامی از جمله (ظاهر، باطن - خصوصی، عمومی - محرم، نامحرم) سنجیده شده است. در ادامه در مورد هر یک از این زیرمجموعه‌های فرهنگی یک ایده کلی و یک مثال مطرح می‌شود.

۱-۴) فردگرا

در این زیر مجموعه فرهنگی، زن بیشتر به عنوان یک فرد معرفی می‌شود تا به عنوان عضوی متعلق به جامعه یا یک مذهب. این شخصیت‌ها ارزش و اهمیت فراوانی به فکر، ذهن و سلیقه خود می‌دهند. ترجیحات شخصی ایشان بر دیگر اصول ارجحیت دارد. در این نوع تفکر، انتخاب ظاهر لباس به طور آزادانه و بر طبق سلیقه شخصی افراد و بدون قید و بندها صورت می‌گیرد.

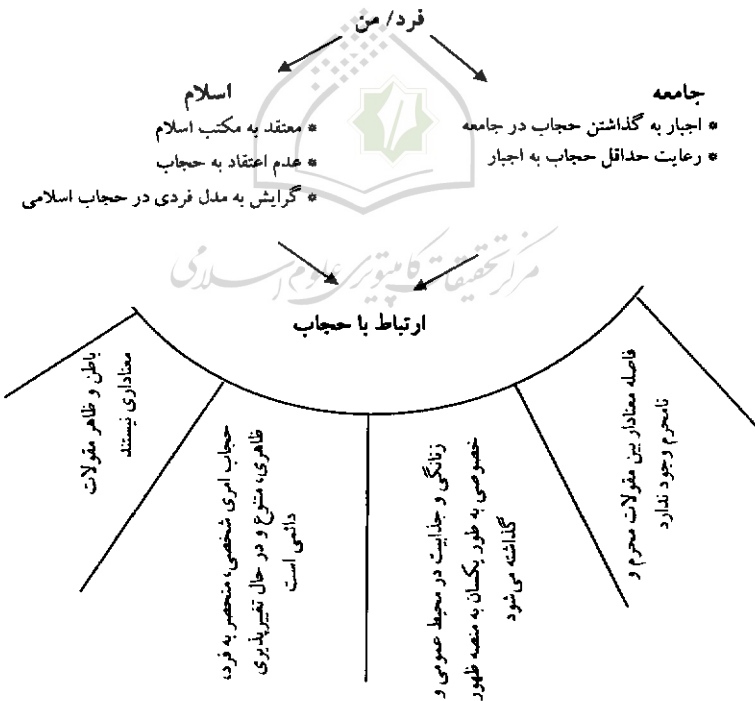
زن فردگرا حجاب را به ناچار و به سختی تحمل می‌کند، اصول اساسی و اسلامی حجاب برای او هیچ معنا و مفهومی ندارد. بنابراین در فضای بیرونی با حاکمیت اجبار حجاب، حداقل حجاب را تحمل می‌کند و سلیقه شخصی خود را توسط مدل‌های مورد علاقه خود در بیرون از محیط منزل ظاهر می‌کند (با بیرون گذاشتن موها، آرایش خاص و بعضاً تند و نشان دادن زینت آلات و پوشیدن مدل‌های لباس).

حجاب زنان با رویکرد جامعه‌شناختی

این تیپ از مدل‌های رفتاری در فضای درونی (منزل) در مقابل نامحرم مطلقاً حجاب ندارند و تمامی مردانی که به منزل آنها رفت و آمد می‌نمایند برای آنها محرم به حساب می‌آیند.

مفاهیم ظاهر و باطن - محرم و نامحرم - خصوصی و عمومی برای آنها معنایی ندارد. این گروه از زنان، اسلام را منهای حجاب پذیرفته‌اند.

نمودار (۲): زیر مجموعه فرهنگی فردگرا

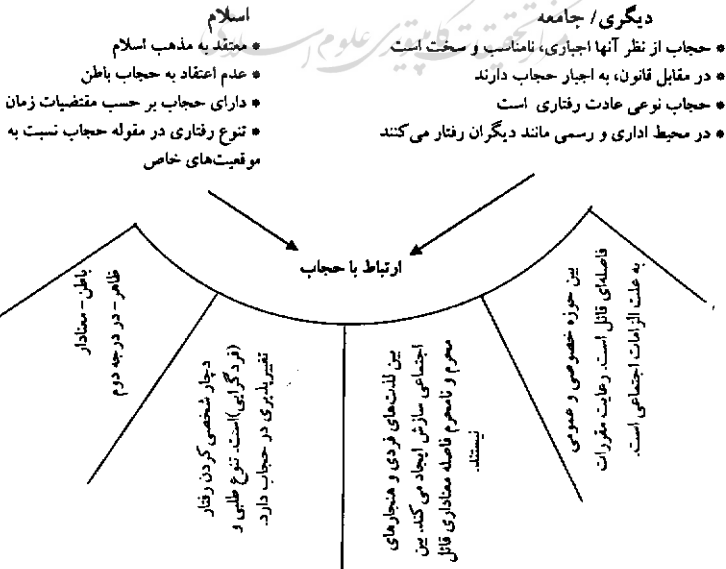


فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

۲-۴) مصلحت‌گرا

این گروه زنان، همیشه طالب استقلال هستند، حجاب برای آنان به طور معمول فقط به عنوان برگ عبوری در جامعه محسوب شده و به علت اجباری بودن آن را رعایت می‌کنند، این زنان اگرچه در محیط جامعه خود را با حجاب عرفی منطبق می‌کنند، ولی تفاهم و توافق کامل با حکم حجاب ندارند. حجاب، طبق نگرش شخصی معنا می‌یابد، چنانچه معتقدند که ظاهر مهم نیست، بایستی باطنی خوب و صحیح داشته باشیم. مردانی که با آنها بزرگ شده‌اند یا با آنان رفت و آمد زیاد دارند، خانه‌زاد هستند. بنابراین نامحرم به حساب نمی‌آیند مثلاً دوستان برادر، شوهر خواهر، و... بنابراین در مقابل این افراد بی حجاب هستند.

نمودار (۳): زیر مجموعه فرهنگی مصلحت‌گرا



۳-۴) متغیر

این گروه از زنان اعتقاد واضح و تعریف شده‌ای نسبت به حجاب ندارند، آنها تحت تأثیر محیط و اطرافیان و فرهنگ خانواده‌ای هستند که در آن پا می‌گذارند. این افراد لباس و رفتار خود را نسبت به فضایی که در آن قرار می‌گیرند انطباق می‌دهند. در یک لحظه با حجاب هستند و در لحظه‌ای دیگر در مکانی متفاوت بی‌حجاب می‌شوند. در واقع اینکه زن حجابش را برمی‌دارد به دلیل آن نیست که خودش تمایل دارد، بلکه به خاطر این است که به یک قدرت بیرونی و یک حکم خارجی تن در دهد. به نظر می‌رسد در این خرده فرهنگ، فردگرایی محو شده یا تا حدی تقلیل یافته است. فرد خود را در چارچوب عادات اجتماعی می‌یابد و توجیهات خود را از دلایلی اقتباس می‌کند که این دلایل یا مربوط به یکسری مفاهیم کلی است یا مربوط به شرایط حاکم زمانی می‌باشد و نوعی عدم قاطعیت حاکم است.

۴-۴) تطابق‌گرایی پارسا

این گروه از زنان، عقاید شخصی و سلیقه‌ای را کنار می‌گذارند و در نظر آنها مذهب و تعلقات مذهبی در اولویت قرار دارد.

در این زیرمجموعه فرهنگی دو گروه وجود دارند:

گروه تطبیق‌گرایی منتقد: این گروه تطبیق‌گرا تمایل است تا پوشش خود را با تغییراتی که در شیوه زندگی به وجود آمده، تطبیق دهد. با این وجود اگر انتقادی هم داشته باشد، رعایت و احترام به عرف جامعه و احترام به قواعد دینی غالب است. این زنان اصول اساسی قرآن در مورد حجاب را کاملاً پذیرفته‌اند و به هنجارهای اجتماعی حجاب احترام می‌گذارند، ولی در انتخاب حجاب، موارد زیر را مورد انتقاد قرار می‌دهند:

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

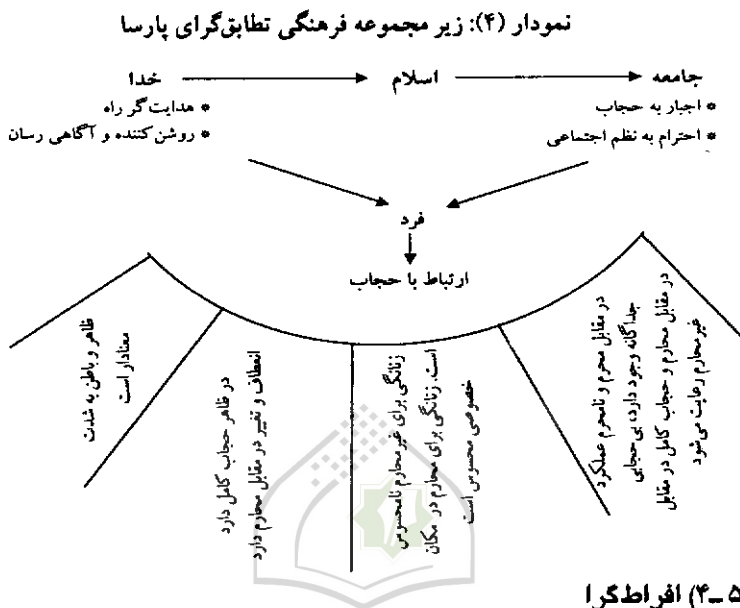
الف) حد و حدود حجاب: دست، صورت، پا،...

ب) فرم حجاب: چسبیده، کوتاه، بلند،...

برای این گروه از زنان مفاهیم حجاب اسلامی با رسالت پیامبران و ماموریت ائمه علیهم السلام برای هدایت کردن انسان‌ها ارتباط تنگاتنگ دارد. مفهوم حجاب ظاهری و حجاب باطنی و خلیات درونی انسان‌ها با یکدیگر گره می‌خورد.

گروه تطبیق‌گرای سنتی: حجاب این گروه با سنت گره خورده است. این زنان بدون اینکه پدیده‌ای را در خصوص حجاب زیر سؤال ببرند و بدون اینکه نقدی در مورد حجاب داشته باشند با قانون اجتماعی و هنجارهای رفتاری حجاب انطباق پیدا می‌کنند. برای این گروه از زنان یک ظاهر پوشیده با اخلاق مذهبی (ظاهر و باطن) ارتباط تنگاتنگی دارد. صفات زنانگی و نیاز به زیبا بودن و جذابیت در حیطة و حریم مجاز اسلامی یعنی در یک محیط محرم و برای محارم خود یا در بین زنان و در مهمانی‌های زنانه و دوستان زن اعمال می‌شود.

در این گروه، اسلام هدایت‌گر و معنادهنده به کل زندگی آنها می‌باشد و اعتقاد قلبی به اصول اساسی اسلام و حجاب دارند. بنابراین حجاب به طور طبیعی و به خودی خود در زندگی ارائه می‌شود، یعنی در مقابل یک نامحرم، آنجا که اسلام اجازه نداده است حجاب معنادار می‌شود و بدون حضور نامحرم آنجا که اسلام اجازه کشف حجاب را داده است، بی حجاب می‌شوند.



۴-۵ افراط‌گرا

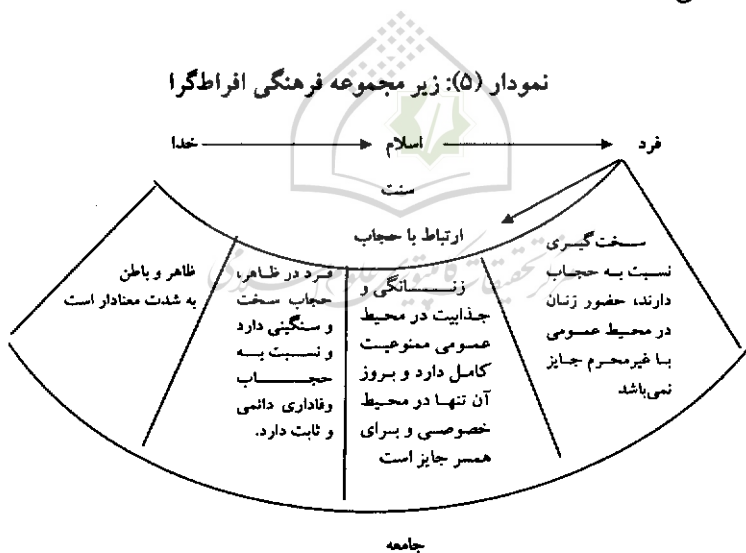
این زنان به خاطر آن که حکم حجاب از سوی خداوند صادر شده است، به حجاب معتقدند و رعایت می‌کنند و رضایت خاطر اطرافیان یا الزام قانون اجتماعی حجاب آنها را مجبور به رعایت آن نمی‌نماید. این دسته از زنان به دو گروه تقسیم می‌شوند:

الف) زنانی که اعتقاداتی راسخ و پارسایانه دارند. این زنان به خاطر اعتقادات قلبی و میل به پاکی، حجاب را قبول دارند.

ب) زنانی که اعتقاداتی راسخ اما سخت‌گیرانه دارند. آنان حجاب را نماد و سمبل مبارزه می‌دانند و به عنوان حجاب ظاهری از چادر، مانتو، شلوار و بعضاً روپند و دستکش استفاده می‌کنند. آنها اشتغال زنان در بیرون از خانه را با حجاب زن متضاد می‌دانند و معتقدند در هر مهمانی که مرد نامحرم هست، زن باید حضور

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

نداشته باشد، مگر در مواقع بسیار ضروری و اضطرار. این زنان زندگی اجتماعی مختلط را نمی‌پذیرند. حجاب ظاهر و مدل چادر را با ایدئولوژی خاص خود پیوند می‌زنند. خود را به حجابی فشرده، سنگین با رنگی تیره و گاه افراطی ملزم می‌دانند. سخت‌گیری آنها به لباس و ظاهرشان محدود نمی‌شود، گاه به نام تشریح کامل یک ایدئولوژی الهی، آن قدر پیش می‌روند که جمهوری اسلامی را به شدت مورد انتقاد قرار می‌دهند و به اینکه در این نظام فرهنگ اسلامی حجاب کم اهمیت تلقی شده انتقاد می‌کنند.



نمودار (۶): زیر مجموعه های فرهنگی حجاب و وضعیت متولات هر یک از آنها

متولات فرهنگی	حجاب در حوزه عمومی	حجاب در حوزه خصوصی	حجاب در حوزه دولتی	متولات فرهنگی
۱- فردگرا	معتاد نیست	معتاد نیست	معتاد نیست	معتاد نیست
۲- مصلحت‌گرا	باطن مهم است، ظاهر شرط نیست و قابل دستکاری است	باطن مهم است، ظاهر شرط نیست و قابل تغییر است	باطن مهم است، ظاهر شرط نیست و قابل تغییر است	طبق سلبه شخصی معنادار است
۳- مشیر	مشیر و زیر سلطه دیگران است	مشیر و زیر سلطه دیگران است	مشیر و زیر سلطه دیگران است	مشیر و تحت تقلید و سلطه دیگران است
۴- همزادگر - نظامی‌گرا	نسبت به جامعه، مذهب و دینداری فرد معنادار است	نسبت به جامعه، مذهب و دینداری فرد معنادار است	نسبت به جامعه، مذهب و دینداری فرد معنادار است	نسبت به جامعه، مذهب و دینداری فرد معنادار است
۵- پارسا، زاهد و سخت‌گیر	نسبت به ظهور معنادار است	نسبت به ایدئولوژی مذهبی معنادار است	نسبت به ایدئولوژی مذهبی معنادار است	نسبت به ایدئولوژی مذهبی و سیاسی معنادار است

۵- تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی

فراتر از قانون اجبار حجاب، مدل‌ها و سلوک رفتاری مختلفی نسبت به حجاب وجود دارد. در واقع مقوله حجاب در ایران بسیار پیچیده‌تر از آن چیزی است که در ظاهر دیده می‌شود. بنابراین زنان مفهوم آزادی را به عنوان مفهومی واحد، در تقابل و تخالف یا در توافق با حجاب به کار برده‌اند.

برای برخی، اعتقاد به حجاب نشانه آزادی است و حتی احساس آزادی عمیق درونی را بیان می‌کنند، اما برای عده دیگری اعتقاد به حجاب مانعی برای آزادی به حساب می‌آید.

برای اینکه یک ایده کلی از نتیجه کار میدانی داشته باشیم، از هر زیر مجموعه انتقاداتی را مثال می‌زنیم:

۱- بعضی از زنان به محدودیت فرم، رنگ و مدل انتقاد دارند؛ بدون اینکه اصل حجاب را رد کنند. مثلاً معتقدند چرا سیاه، چرا چادر، چرا چادر بلند و...
 ۲- بعضی دیگر به حجاب ظاهر و پوشاندن ظاهر معتقد نیستند و به وجود باطن پاک، اخلاق و منطق مذهبی معتقدند، از نظر آنها چاه باید به چشمه اتصال داشته تا بجوشد.

۳- برخی معتقدند حجاب نبایستی به صورت اجبار باشد، اعتقاد باطنی باید بر ظاهر فرد مسلط باشد و با اجبار، ظاهر سازی مفید نیست.

۴- گروهی معتقدند حجاب در اسلام وجود ندارد و به کلمه حجاب در اسلام چه ابعاد ظاهر و چه باطنی معتقد نیستند. این گروه شدیداً مخالف حجاب هستند و با رفتار خود ایدئولوژی خود را نمایان می‌سازند.

حجاب زنان با رویکرد جامعه شناختی

در نمودار شماره (۶) زیر مجموعه‌های فرهنگی حجاب با شاخص‌های مختلف بررسی شده است. در این نمودار هر یک از مفاهیم در هر زیرمجموعه فرهنگی معنای متفاوت و بعضاً متضادی پیدا می‌کند. به عنوان مثال مفهوم (محرم/ نامحرم) می‌تواند به ۵ مدل مختلف طبق هر زیرمجموعه فرهنگی معنا پیدا کند از جمله: در یک زیرمجموعه فرهنگی معنادار نیست (زیرمجموعه فرهنگی شماره ۱) و در دیگری، بستگی به ایده و سلیقه شخصی فرد دارد (زیرمجموعه فرهنگی شماره ۲)، گاهی متغیر و تحت سلطه دیگران است (زیرمجموعه فرهنگی شماره ۳) و گاهی نسبت به جامعه، مذهب و تکلیف دینداری فرد معنا می‌یابد (زیرمجموعه فرهنگی شماره ۴) و نهایتاً نسبت به ایدئولوژی مذهبی و سیاسی فرد معنادار است. (زیرمجموعه فرهنگی شماره ۵)

مسئله زنانگی، جذابیت، زیبایی، خودآرایی... در همه زیرمجموعه‌های فرهنگی وجود دارد، اما با توجه به نگرشی که نسبت به حجاب دارند، برای آشکارسازی آن سؤالاتی همچون در کجا؟^۱ چه موقعیتی؟^۲ و تحت چه شرایطی؟^۳ مطرح می‌گردد. همچنین در مقولات نمایش آرایش، زیبایی و زیورآلات و جذابیت‌های زنان در عرصه عمومی و خصوصی و همچنین رعایت محرم و نامحرم، نگرش‌های متفاوتی وجود دارد.

مسئله زن و تظاهر زیبایی او می‌تواند در نزد هر پنج زیرمجموعه فرهنگی یکسان به نمایش درآید: مثلاً در مهمانی‌های زنانه و در محیط خصوصی و در مقابل افراد محرم همه می‌توانند به صورت مدل فردگرا ظاهر شوند و یا می‌توانند در مراسم‌های خاص مذهبی در یک همانندی ظاهری، در مکان‌های عمومی مدل

1. espace

2. situation

3. condition

زیرمجموعه فرهنگی چهار و پنج ظاهر شوند.

- لازم به یادآوری است که همه این زنان طبق نگرش شخصی خود معتقد به اسلام هستند.

نهایتاً می‌توان بیان کرد که بر اساس موقعیت، ایدئولوژی و تفکرات افراد، تاریخ زندگی شخصی، امکانات، منابع و توان مالی‌شان، میراث فرهنگی که دریافت کرده‌اند؛ مدل جامعه‌پذیری و الگوهای سلوک رفتاری هنجاری شده و اجبار و الزامات دریافتی آنها تاکنون رشد می‌کنند.

زنان در تمام مدل‌های ممکن رفتاری، در قالب سنتی و مدرن، به تشریح حجاب می‌پردازند. مدل چند علتی، امکان بررسی تمام پیچیدگی‌ها، اختلافات و ضدیت‌ها افراد در مورد حجاب را می‌دهد.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

فهرست منابع

- «آذری قمی، احمد: «سیمای زن در اسلام»، انتشارات دارالعلم، قم، ۱۳۷۳.
- «ابن ابی طالب، علی: «نهج البلاغه»، انتشارات روزبانه، نشر انصاریان، قم، ایران، (بدون تاریخ).
- «ابن خلدون، عبدالرحمان: «مقدمه ابن خلدون»، محمد پروین گنابادی، نگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۳۷-۱۳۳۶.
- «ابن عربی، محی‌الدین و شمس‌الدین لاهیجی: «چهارده رساله عرفانی از محی‌الدین بن عربی و شمس‌الدین لاهیجی»، مقدمه، تصحیح و تعلیقات سعید رحیمیان، شیراز، کوشامه، ۱۳۸۰.
- «ابن عربی، محی‌الدین: «الفتوحات المکیه فی معرفه اسرار المالکیه و الملکیه»، (ترجمه فتوحات مکیه) ترجمه تعلیق محمد خواجوی، نشر مولی، تهران، ۱۳۸۱.
- «استاد ملک، فاطمه: «حجاب و کشف حجاب در ایران»، انتشارات موسسه مطبوعاتی عطایی، تهران، ۱۳۶۷.
- «انصاری‌پور: «قدرت و جایگاه زن در دوران مختلف تاریخ»، ناشر کانون کتاب، تهران، ۱۳۴۶.
- «براون، اشنایدر: «پوشش اقوام مختلف (مصور)»، مترجم یوسف کیوان شکوهی، انتشارات کارگاه هنر، تهران، ۱۳۶۱.
- «توفیقی، حسین: «آشنایی با ادیان بزرگ»، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۱.
- «جوادی عاملی، عبدالله: «زن در آینه جلال و جمال»، مرکز نشر فرهنگی رجاء، تهران، ۱۳۸۱.
- «چیشیک، ویلیام: «واه عرفانی عشق»، تعالیم معنوی مولوی، ترجمه (شهاب‌الدین عباسی)، نشر پیکان، تهران، ۱۳۸۲.
- «حسینیان، عفت: «حجاب و نگاه»، مؤسسه تعلیمات اسلامی، تهران، ۱۳۷۱.
- «حشمت‌زاده، محمدباقر و دیگران: «چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی در ایران»، ناشر دانش و اندیشه معاصر، تهران، ۱۳۷۸.
- «حلاج، حسین منصور: «دیوان»، ناشر، سنایی، تهران، ۱۳۷۳.

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

- «خامنه‌ای، سید علی: «اجوبه الاستفتائات»، ج ۱، نشر مؤسسه فرهنگی ثقلین، فرهنگ و ارتباطات اسلامی، تهران، ۱۳۷۵.
- «خمینی، روح الله: «آخرین پیام (وصیت نامه)»، مؤسسه فرهنگی امام خمینی، تهران، ۱۹۹۱ (۱۳۷۰).
- «ذکا، ی: «پوشاک زنان در ایران از قرن سیزده تا دوره معاصر»، تهران، ۱۳۳۶.
- «راوندی، مرتضی: «تاریخ اجتماعی ایران»، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۶.
- «رحیمیان، سعید: «حب و مقام محبت در حکمت و عرفان نظری»، انتشارات نوید، شیراز، ۱۳۸۰.
- «رزاقی، احمد: «عوامل فساد و بدحجابی و شیوه‌های مقابله با آن»، ناشر؛ مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ چهارم، تهران، پاییز ۱۳۷۱.
- «رمضانی، محسن: «کتاب عشق»، پدیده، تهران، ۱۳۵۰.
- «رومی، جلال الدین: «کتاب فیه ما فیه»، چاپ سنگی، تهران، ۱۳۳۳ق.
- «رهنورد، زهرا: «پیام حجاب زن مسلمان»، انتشارات عفت، تهران، ۱۳۵۷.
- «کساوجی، موحدی: «حقوق زن و خانواده در اسلام»، انتشارات مجرد، تهران، ۱۳۷۱.
- «شریعت پناه، حسام‌الدین: «اروپائیان و لباس‌های ایرانیان»، انتشارات قم، تهران ۱۹۹۴ (۱۳۷۳).
- «شریعتی، علی: «ژن»، مجموعه آثار (۲۱)، انتشارات چاپخش، تهران، ۱۳۸۱.
- «شریعتی، علی: «فاطمه فاطمه است»، ناشر؛ حسینیه ارشاد تهران، ۱۳۷۳.
- «کشتوی، قوام الدین: «حجاب در اسلام»، ناشر؛ چاپخانه حکمت، قم، ۱۳۵۲.
- «کشمیل، آنماری: «ابعاد عرفانی اسلام»، مترجم؛ عبدالرحیم گواهی، ناشر؛ دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۴.
- «صفاپور: «لباس‌های قدیمی ایران»، موزه هنرهای زیبا، انتشارات عفت، ۱۳۵۷.
- «طباطبائی، علامه سید محمد حسین: «ژن در قرآن»، دفتر تنظیم نشر و آثار علامه طباطبائی، قم، ۱۳۸۴.
- «غزالی، ابو حامد: «مشکوة الانوار»، (مترجم؛ صادق آیینه‌وند)، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴.

حجاب زنان با رویکرد جامعه شناختی

«قزوینی، محمد کاظم: «فاطمه زهرا از ولادت تا شهادت»، ناشر دارالقاری، بیروت، ۱۴۲۲ق = ۱۳۸۱ش.

«محمدی، علی: «فلسفه حجاب و زیان‌های فساد»، انتشارات ارم، تهران، ۱۳۷۰.
«مطهری، مرتضی: «حقوق زن در اسلام»، انتشارات انصاریان، جمهوری اسلامی ایران، قم.
«مکارم شیرازی، ناصر: «زهرا برترین بانوی جهان»، ناشر مطبوعاتی هدف، قم، ایران، ۱۳۷۳.
«مکارم شیرازی، ناصر: «نکاتی در مورد شخصیت زنان در اسلام»، انتشارات محمد... فانی، تهران، ۱۳۶۱.

«موسوی لاری، مجتبی: «مسئله امامت»، مرکز نشر معارف اسلامی، ۱۹۹۴ (۱۳۷۳)، قم، ایران، ۱۳۷۴.

«نفیسی، سعید: «اصول تصوف ایرانی»، انتشارات تهران، ۱۹۶۵ (۱۳۴۴).
«یزدخواستی، بهجت و ماری کلود لوتراند: «فراسوی حجاب: جامعه‌شناسی حجاب زنان مسلمان ایران (صفیه‌غایی)»، معاونت پژوهشی و آموزشی سازمان تبلیغات اسلامی، نشر معناگر، ۱۳۸۵.

«یزدخواستی، بهجت: «زنان و تغییرات اجتماعی»، نظرات و بینش‌ها در طی ۱۴ سال انقلاب، انتشارات مانی، مرکز ملی تحقیقات، اصفهان، ۱۹۹۳ (۱۳۷۲).

«_____: «حجاب و آزادی»، مجموعه مباحث و کنفرانس‌ها درباره زنان، سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز چاپ و نشر، تهران، ۱۳۷۱.

«پاسخ استاد و بررسی به مسئله حجاب»، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۰/۱۹۹۲.

➤Kian, A. "La Formation d'une identité's Social Feminine Post-revolutionnaire: un enjeu de pouvoir", Les Femmes en iran.

➤Pressions sociales et Strategies identitaires, sous La direction de Yavari - D Hellencourt, N., Paris' L Harmattan, 1998.